

فصل سوم

مراتب و شیوه های امر و نهی

امر به معروف افزایش فضای سبز خانه دلها و جامعه است.

موضع گیری قلبی

موضع گیری قلبی، امر و نهی دینی به حساب نمی آید اما با توجه به اینکه نوعی برخورد با گناه و گنهکار است مورد بحث قرار می گیرد.

موضع گیری قلبی بخشی مهم از دینداری انسان را تشکیل می دهد و حب و بغض در راه خدا از مهمترین مسائل اصولی اسلام می باشد.

پیامبر اکرم صلی علی علیه و آله فرمود: بهترین اعمال حب و بغض در راه خداست. (۳۸)

محبت و دوستی خدا و آنچه از پیامبر و ائمه علیهم السلام، اولیاء و دوستان خدا و ارزشها و احکام دینی که به خدای تعالی ارتباط دارد و بغض به دشمنان خدا، شیطان، دوستان و طرفداران او و ضد ارزشها و گناهان و کجرویهای که به شیطان و دشمنان اسلام مرتبط است یک فریضه الهی است. اگر مومن از محبت به ارزشها و صاحبان آن و بغض و نفرت از ضد ارزشها و صاحبان آن بهره مند نباشد دلی بیمار دارد و این بیماری به قدری مهلک است که خطر نابودی موجودیت معنوی او را به همراه دارد.

امیر المومنین علیه السلام فرموده است: کسی که با قلب خود عمل نیکی را نپذیرد و عمل زشتی را رد نکند وارونه می شود و بلایش به پایین می گراید. (۳۹)

وارونه شدن قلب همان مرگ معنوی انسان است.

آن حضرت در جای دیگر فرمود: کسی که عمل زشتی را به قلب و زبانش انکار نکند مرده ای بین زنده هاست. (۴۰)

یکی از گناهان، رضایت به انجام گناه و ترک واجب است و یکی از واجبات دینی نفرت از گناه و ترک واجب است که هر مومنی باید در هر حال از چنین رضایتی بدور و از چنین نفرتی برخوردار باشد. (۴۱)

زنان و مردان مومن نمی توانند به خواهران و برادران دینی محبت نورزند و از آنها دفاع نکنند و از افراد و روحیه های غیر دینی و اعمال آنها متنفر نباشند، که نبود چنین حب و بغضهایی با محرومیت از دین و دینداری برابر است. ممکن است مومن در بسیاری از برخوردها با چهره های مذهبی و غیر مذهبی، با تقوا و بی تقوا یکسان رفتار کند اما هیچگاه حالت قلبی او با آنها یکسان نخواهد بود. افراد متدین که بهره مند از روحیه تواضع و توجه به احکام خدا و ظاهری دینی و چهره ای برخوردار از نشانه های اسلامی هستند از محبت قلبی مومنین بهره مندند و چهره های جلف و فاقد روحیه مذهبی و بی توجه به احکام و ارزشهای الهی جایگاهی منفی در دل آنها دارند اگر چه از موقعیت اقتصادی، علمی، سیاسی، اجتماعی یا موقعیتهای دیگری برخوردار باشند.

امام باقر علیه السلام فرموده است: اگر بخواهی بدانی که خیری در تو هست به قلبت بنگر؛ اگر اهل طاعت خدا را دوست دارد و به اهل معصیت بغض می ورزد در تو خیر وجود دارد و خدا تو را دوست دارد و اگر با اهل طاعت خدا دشمنی می ورزد و اهل معصیت را دوست دارد در تو خیری نیست و خدا با تو دشمن است و انسان با کسی است که او را دوست دارد. (۴۲)

محبت به مومنین همانند رشته ای آنها را در کنار یکدیگر قرار می‌دهد و نارضائی و نفرت از هواپرستان جاهل و بیگانه از ارزشها ایشان را از جرگه آن بیگانگان جدا می‌سازد و از هرگونه همسوئی در تفکر، اخلاق و اعمال آنها باز می‌دارد.

امیر المومنین علیه السلام فرموده است: این کمیل، در هر حال حق بگو و افراد باتقوا را دوست بدار و از گنهکاران دوری گزین و از منافقین فاصله گیر و با خائنان همراهی نکن. (۴۳)

بیشتر گناهان در پی هماهنگی نفس سرکش و شیطان عصیانگر تحقق می‌یابد اما بعد از انجام آن شرکای فراوانی در آن سهیم می‌گردند و آنها کسانی هستند که با قلب خود ذیل عمل گنهکار را امضا می‌کنند. بی تفاوتی در برابر مخالفت با خداوند نوعی رضایت، هماهنگی و همسوئی با گناه و گنهکار است که دوری از خدا را به همراه دارد.

مومنین کسانی هستند که در برابر باید ها و نباید های دینی واکنشی قلبی نشان می‌دهند و از تحقق ارزشها خشنود و از انجام ضد ارزشها ناراضیند. واکنش قلبی از انجام گناهان، حداقل حرکت ارزشمندی است که در خانه قلب مومن صورت می‌پذیرد.

پیامبر اکرم صلی علی علیه و آله فرموده است: زمانی خواهد آمد که دل مومن ذوب می‌شود همانگونه که سرب در آتش ذوب می‌شود و این نیست مگر به سبب بلاها و پیشامدهایی که در دین او بوجود می‌آید و قدرت تغییر آن را ندارد. (۴۴)

اگر چه مومن در برخی موقعیت ها قدرت تغییر اوضاع را در جهت حاکمیت دین خدا ندارد و نمی‌تواند عملی را در سامان بخشی فرهنگی در صحنه‌های زندگی اجتماعی پدید آورد اما واجب است بسرعت خشم خود را از مخالفت با احکام خدا اعلام نماید و خداوند این نارضایی و تغییر رنگ مومن را که ناشی از غضب بر انجام گناه است دوست دارد. چه اینکه این تنفر قلبی نشانه عزت و بزرگواری و شخصیت دینی مومن است. امام صادق علیه السلام فرموده است: در عزت مومن کافی است که چون عمل زشتی را ببیند خدا از ناخشنودی قلب او آگاه گردد. (۴۵)

مرتبۀ اول: اظهار تنفر قلبی

شیوه های عملی

۱ - امر به معروف و نهی از منکر دارای مراتبی است و با احتمال حاصل شدن مقصود با مراتب پایین جایز نیست به مراتب بالا عمل شود.

۲ - مرتبۀ اول آن است که با شخص معصیت کار طوری عمل شود که بفهمد برای گناه اوست که این گونه با وی رفتار شده است، مثل اینکه از او روبرگرداند، یا با چهره عبوس ملاقات کند، یا ترک مراده نماید و از او اعراض کند تا معصیت را ترک گوید.

۳ - اگر در این مرتبۀ درجاتی باشد باید با احتمال تاثیر درجه خفیف تر، به همان اکتفا کند، مثلاً اگر احتمال

می‌دهد که با ترک تکلم با او، مقصود حاصل می‌شود به همان اکتفا کند و به درجه بالاتر عمل نکند خصوصا اگر طرف شخصی است که این گونه رفتار با او موجب هتک وی می‌شود.

۴ - اگر بداند یا احتمال دهد که دوری و ترک معاشرت با معصیتکار موجب تخفیف معصیت می‌شود واجب است از او اعراض کند اگر چه بداند روگردانی او سبب ترک کلی گناه نمی‌شود، و این امر در صورتی است که با مراتب دیگر نتواند از معصیت جلوگیری کند. (۴۶)

همان گونه که در مسائل فقهی بیان گردید امر و نهی دینی دارای مراتبی است و هر یک از این مراتب خود از مراحل مختلفی برخوردار است که باید برای رعایت احترام گنهکار از پایین ترین مرتبه و اولین مرحله آن اقدام شود.

آنچه در فتاوی‌های فقه‌های اسلام بیان گردیده است نمونه‌های بارز اظهار تنفر است و منحصر به آنها نخواهد بود. رفتارهای مشابه دیگری وجود دارد که تنفر انسان را به منظور ترک گناه به گنهکار می‌فهماند که به برخی از موارد آن اشاره می‌کنیم.

با سردی برخورد کردن، نگاه نکردن به طرف به هنگام ملاقات، خلاصه جواب دادن، برخلاف برنامه‌های معمول قبلی عمل کردن نظیر ترک همراهی با او در رفت و آمد به محل کار، بازار، مسجد و امثال آن، یا ترک مساعدت، حمایتها، دفاعها و محبتهایی که به او می‌شد، عبوس و گرفته برخورد کردن.

امیرالمومنین علیه السلام فرموده است: کمترین نهی از منکر این است که با چهره‌ای عبوس با گنهکاران روبرو شوید. (۴۷)

اسحاق بن عمار که از شیعیان و راویان حدیث امام صادق علیه السلام است می‌گوید: وقتی اموالم فزونی یافت دربنانی را بر در منزل خود قرار دادم تا فقرای شیعه را که برای دریافت کمک مراجعه می‌کردند از من دور سازد. در همان سال به مکه رفتم و به حضور امام صادق علیه السلام رسیدم و بر او سلام کردم اما حضرت سلام مرا با چهره‌ای عبوس و در هم جواب داد. عرض کردم فدایت شوم چه کاری موقعیت مرا در نزد شما تغییر داده است؟

امام علیه السلام فرمود: تغییر رفتار تو نسبت به مومنین.

عرض کردم فدایت شوم: به خدا قسم، می‌دانم که آنها بر دین خدا هستند اما از شهرت یافتن بر خود ترسیدم.

امام علیه السلام فرمود: ای اسحاق! آیا نمی‌دانی که وقتی مومنین با یکدیگر ملاقات و مصافحه می‌کنند خداوند یکصد رحمت در بین دستهای آنها قرار می‌دهد که نود و نه تای آن برای کسی است که برادر دینی اش را بیشتر دوست دارد؟..

ای اسحاق از خدا بترس به گونه‌ای که او می‌بینی و اگر تو او را نمی‌بینی او تو می‌بیند. (۴۸)

یکی دیگر از مصادیق مرتبه اول نخندیدن در چهره گنهکار است.

امام رضا علیه السلام فرموده است: از تزویج به شرابخوار پرهیز.. و از هم غذایی با او دور نما و با او

مصاحبت نکن و در چهره او نخند. (۴۹)

از مصادیق دیگر این مرتبه ترک سلام، روبرگرداندن، چشم برهم گذاردن، دست بر پشت دست زدن، با نارضایتی سبحان الله گفتن، از روی ناراحتی سر تکان دادن، حالت تعجب به خود گرفتن، دندان بر لب پایین نهادن، ترک رفت و آمد، جواب منفی به دعوت او دادن و او را با ملاقات نپذیرفتن است.

مرتبه دوم: امر و نهی زبانی

احکام فقهی

۱ - اگر بداند هدف (انجام واجب یا ترک گناه) با شیوه های مرتبه اول حاصل نمی شود واجب است در صورت تاثیر به شیوه های مرتبه دوم عمل نماید.

۲ - اگر احتمال دهد که هدف با موعظه و ارشاد و سخن نرم برآورده می شود واجب است به همین صورت عمل کند و به بیش از آن تعدی نکند.

۳ - اگر بداند که موعظه و ارشاد و سخن نرم تاثیر نمی کند امر و نهی زبانی کند و در صورت احتمال تاثیر از آسانترین مرتبه آن شروع نماید و به بیش از آن تعدی نکند بویژه اگر گنهکار از امر و نهی او مورد هتک قرار گیرد.

۴ - اگر برطرف شدن منکر و اقامه معروف متوقف بر سخن تند و شدت بخشیدن در امر و تهدید و وعده مخالفت با گنهکار باشد جایز و بلکه با پرهیز از دروغ واجب است.

۵ - جایز نیست در انجام نهی از منکر، از حرام و منکر مثل فحش و دروغ و اهانت کمک گرفته شود. بله اگر منکر از جمله چیزهایی باشد که اسلام به آن اهمیت می دهد و به هیچ وجه به انجام آن راضی نباشد نظیر قتل انسان محترم یا ارتکاب گناهان قبیح و بزرگ که وعده عذاب بر آن داده شده است جایز بلکه واجب است ممانعت شود اگر چه لازم شود از آنچه گفته شد کمک گرفته شود.

۶ - اگر بعضی از مراتب امر و نهی زبانی اذیت و اهانت کمتری از بعضی از آنچه در مرتبه اول ذکر شد داشته باشد باید به آنها اکتفا شود. پس اگر موعظه و ارشاد با سخن نرم و چهره ای باز موثر باشد یا احتمال تاثیر آن برود و آزار کمتری از دوری و اعراض و امثال آن داشته باشد جایز نیست دوری و اعراض شود. انسانها در بیان و شنیدن امر و نهی او شدیدتر و سنگین تر و اهانت آمیزتر باشند و از همین رو امر و نهی کننده باید مراتب، اشخاص و عمل به مرتبه آسانتر و راحت تر را مورد توجه قرار دهد.

۷ - اگر تاثیر امر و نهی به استفاده از مرتبه اول و دوم باشد ضمن امر و نهی زبانی (و در صورت لزوم،

غلضت در سخن و بلند کردن صدا و تهدید) از او دوری و اعراض نماید. (۵۰)

اقسام امر و نهی زبانی و شیوه های عملی آن

امر و نهی زبانی دارای مراتب مختلف و شیوه های گوناگونی است که آنها را مورد بررسی قرار می دهیم تا با توجه به تناسب اجتماعی، زمانی و مکانی گنجهکار مورد استفاده قرار گیرند. زیرا همه گنجهکاران با یک روش هدایت نمی شوند و تمام امر و نهی کنندگان نیز با یک شیوه موفق نخواهند بود.

۱ - امر و نهی ساده

امر و نهی ساده عبارت از امر به واجب و نهی از حرام است که در قالب جمله این عمل را انجام ده یا این عمل را ترک نما صورت می پذیرد. عموم مردم از این روش استفاده می کنند اما این شیوه همیشه کار ساز نیست و باید از شیوه های دیگری که مطرح می شود استفاده کرد.

۲ - امر و نهی حکیمانه

سخن حکمت آمیز از ظرافت و تاثیری عمیق برخوردار است و با توجه به اینکه منطبق با فطرت آدمی و دربردارنده سعادت اوست همواره از باجاذبه ترین سخنان در بین انسانها بوده است. مزین نمودن امر و نهی دینی به چنین حربه مفیدی آن را با موفقیت زیادی همراه می سازد.

خدای تعالی می فرماید: با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت دعوت نما و با روشی که نیکوتر است با آنها مناظره کن. (۵۱)

در تفسیر کشاف آمده است: حکمت عبارت از سخن صحیح و محکمی است که حق را آشکار و شبهه را زایل می کند.

گاهی یک جمله حکمت آمیز چنان تحولی در گنجهکار ایجاد می کند که با ساعتها بحث و مطالعه نمی توان به آن دست یافت.

روزی امام کاظم علیه السلام از در خانه ((بشر)) در بغداد می گذشت که شنید صدای ساز و آواز و رقص از خانه او بلند است و کنیزی برای ریختن خاکروبه به در خانه آمده است.

امام علیه السلام به او فرمود: ای کنیز صاحب این خانه آزاد است یا بنده می باشد؟
کنیز گفت: آزاد است.

امام علیه السلام فرمود: راست گفتمی آزاد است که این چنین گناه می کند، اگر بنده بود از مولای خود می ترسید.

وقتی کنیز برگشت مولای او ((بشر)) بر سر سفره شراب بود، از او پرسید چرا دیر آمدی؟

کنیز ماجرای صحبت خود با امام علیه السلام را برای او بیان کرد. بشر که سخن آن حضرت را از زبان کنیز شنید پای برهنه بیرون دوید و به خدمت امام کاظم علیه السلام رسید و ضمن عذرخواهی و اظهار شرمندگی و گریه از کارهای خود توبه کرد. (۵۲)

۳- امر و نهی صریح و کنایی

امر و نهی صریح، خطاب آشکار به انجام معروف و ترک منکر است. این شیوه در برخی موارد موثر است اما همواره کارساز نیست و باید به امر و نهی کنایی (غیر مستقیم) مبادرت ورزید.

کنایه در امر و نهی دینی در مواردی که امر و نهی صریح بدون اثر یا دارای اثر منفی است مورد استفاده قرار می‌گیرد. مثلاً به رباخوار گفته شود: اگر اسلام ربا را حرام نکرده بود من هم به گرفتن آن مبادرت می‌کردم اما پناه می‌برم به خدا که مرتکب آن گردم. یا به غیبت کننده گفته شود: اگر غیبت جایز بود غیبت می‌کردم اما زبانه به حکم خدا بسته شده است. یا در نزد گنهکار و به هدف ارشاد او به دیگری امر یا نهی شود یا از گنهکار خواسته شود تا در رفع گناهی که خود او به آن گرفتار است برای دیگری دعا کند. مثلاً به گرانفروش گفته شود دعا کن خدا مرا از گرانفروشی نجات دهد. روزی نادر شاه افشار با سید هاشم خارکن، روحانی مقیم نجف، ملاقات کرد. (او روزگار را با خارکنی می‌گذرانید.) نادر به سید هاشم رو کرد و گفت: شما واقعا همت کرده‌اید که از دنیا گذشته‌اید! سید هاشم با همان سادگی و روحانیت گفت: بعکس شما همت کرده‌اید که از آخرت گذشته‌اید! (۵۳)

استفاده از جملات: لا اله الا الله، لا حول و لا قوه الا بالله، انا لله و انا الیه راجعون، سبحان الله، پناه به خدا و امثال آن به هنگام مشاهده گناه در برخی موارد مفید است.

۴- امر و نهی توضیحی

برخی گنهکاران با یک امر یا نهی مختصر از معصیت دوری نمی‌کنند اما اگر با توضیحات لازم روبرو شوند به حکم خدا گردن می‌نهند. در چنین مواردی باید با وجود شرایط به تحلیل گناه و آثار آن و ذکر موعظه و سرگذشت گنهکاران و ترس از خدا و قیامت پرداخت. موعظه از آثار مثبت و به جا ماندنی برخوردار است و پذیرش امر و نهی را آسان و گوارا می‌سازد.

قرآن کریم می‌فرماید:

ادع الی سبیل ربک بالحکمه و الموعظه الحسنه (۵۴)

با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت دعوت نما

عمر بن عبید که قبل از به خلافت رسیدن منصور عباسی با او دوست بود روزی در ایام خلافت بر او وارد شد و مورد اکرام وی قرار گرفت و منصور از او تقاضای موعظه کرد. از جمله مواعظ عمرو که در حقیقت نهی از منکر بود این بود: که ((ملک و سلطنتی که اکنون در دست تو است اگر برای کسی پایدار بود به تو نمی‌رسید از آن شب بترس که آبیستن روزی است که دیگر شبی بعد از آن روز برای تو نخواهد بود! (۵۵)

قضایای تاریخی نشان می‌دهد که پیامبر و ائمه علیهم السلام غالباً امر و نهی دینی خود را به شیوه موعظه و حکمت بیان می‌کردند به گونه‌ای که امر و نهی از کلام آنها استفاده می‌شد.

۵ - امر و نهی تشویقی

غالب امر و نهی های دینی بدور از هر گونه تشویق صورت می‌پذیرد، اما بدون شک تشویق نقش موثری در گرایش گنهکار دارد. تشویق افراد به انجام واجبات و ترک محرمات بویژه اگر به صورت ظریف و کارشناسانه صورت گیرد تاثیر چشمگیری در موفقیت امر و نهی دینی دارد. برخی گنهکاران با تشویق معمولی به هدایت بار می‌یابند اما برخی از آنها به سبب موقعیت، شخصیت یا روحیاتی که دارند با تشویق های ساده به صلاح نمی‌گریند. تشویق این گونه افراد باید با انجام کارشناسانه و توجه به روحیات آنها صورت گیرد که به برخی از موارد آن اشاره می‌کنیم.

به کسی که اهل موسیقی حرام است اما به مسائل علمی و تحقیقی هم اهمیت می‌دهد پیشنهاد شود چنانچه یک مقاله خوب درباره موسیقی و آثار آن از دیدگاه اسلام بنویسی و نظریات مراجع را در آن مطرح کنی به شکل خوبی از تو قدردانی خواهیم کرد.

روش مقاله نویسی را پیرامون بسیاری از گناهان و واجبات دینی و برای قشر گسترده‌ای از جامعه می‌توان مطرح کرد. اساتید و معلمین می‌توانند با توجه به معایب دانش آموزان و دانش جویان موضوعاتی را برای انشا یا تحقیق تعیین نمایند.

انجام مسابقه های فرهنگی نیز در امر و نهی دینی نتایج خوبی دارد.

پیشنهاد نوشتن یک مقاله درباره حجاب به بانویی که مراعات پوشش دینی را نمی‌کند از بهترین نوع امر به معروف موثر و آگاهانه خواهد بود.

یکی دیگر از موارد تشویق آن است که گنهکار را بر امر به معروف یا نهی از منکر تشویق نماییم که خود مرتکب آن است. مثلاً در صورت وجود شرایط به خانمی بدحجاب پیشنهاد شود که چنانچه خانمی را که حجاب دینی خود را رعایت نمی‌کند موفق به رعایت پوشش دینی نمایی از فلان امتیاز که مورد علاقه و نیاز اوست برخوردار خواهی شد.

با چنین پیشنهادی سه کار مثبت صورت می‌گیرد. دو نفر به اصلاح می‌گریند و گنهکار خود به امر کننده به نیکی مبدل می‌شود که این خود نقش موثری در تثبیت و دوام حجاب او خواهد داشت.

این شیوه در بسیاری از واجبات و محرمات و شماری از افراد جامعه امکان پذیر است. اعطای مسئولیت های جزئی به برخی از گنهکاران می‌تواند به اصلاح آنها کمک کند البته این عمل باید با توجه و رعایت همه مسائل و مصالح صورت گیرد تا آثار نامطلوب به بار نیآورد.

برای نمونه امن اعلام نمودن منزل ابوسفیان (دشمن بزرگ اسلام) برای پناهندگی مردم مکه پس از فتح پیروزمندانه آن به دست پیامبر صلی علی علیه و آله و یارانش از جمله این تشویقهاست.

یکی دیگر از موارد تشویق، اعطای امتیاز از سوی معلمین، اساتید و مسئولین به زیردستان خود می‌باشد. یک معلم یا مدیر آگاه می‌تواند با اهرم امتیازاتی که در اختیار دارد افراد زیر نظر خود را به تقوای الهی سوق دهد. مثلاً

به محصل خود اظهار کند ریش تراشی حرام است، چنانچه ترک کنی نمره انضباط خوبی به تو خواهم داد یا تو را در پرونده اداری تشویق خواهم کرد.

در هر صورت اصل تشویق با هر شیوه موثری که بتواند در ترک گناه دیگران موثر باشد وسیله مفیدی است که نباید از آن غفلت کرد. چه اینکه خدای تعالی با تشویق بندگان به نعمتهای بهشتی آنها را به تقوا سوق می‌دهد و ائمه علیهم السلام نیز چنین می‌کردند.

علی بن حمزه گوید: دوستی داشتم که در دیوان بنی امیه شغل نویسندگی داشت. از من درخواست کرد که از امام صادق علیه السلام برای او اجازه ملاقات بگیرم و امام صادق علیه السلام اجازه فرمود. وقتی بر امام علیه السلام وارد شد سلام کرد و نشست. سپس عرض کرد: فدایت شوم! من در دیوان بنی امیه بودم و از دنیای آنها مال فراوانی به دست آوردم و در تحصیل این اموال از مسائل دینی چشمپوشی نمودم.

امام صادق علیه السلام فرمود: اگر بنی امیه کسی را نمی‌یافتند که برای آنها بنویسد و مالیات جمع‌آوری کند و برای آنها بجنگد و در جماعت آنها حضور یابد حق ما را عصب نمی‌کردند! اگر مردم آنها را ترک می‌گفتند و به اموال آنها توجهی نمی‌کردند بیش از آنچه در دست داشتند نمی‌یافتند.

جوان عرض کرد: فدایت شوم! آیا راه نجاتی هست؟

امام علیه السلام فرمود: اگر بگویم عمل می‌کنی؟

پاسخ داد: آری.

امام علیه السلام فرمود: تمام اموالی را که در دیوان آنها به دست آوردی رد کن. اگر کسی را می‌شناسی به او رد نما و اگر نمی‌شناسی از طرف او صدقه بده و من هم قول می‌دهم که بهشت را از خدا برای تو تضمین نمایم. جوان مدتی سر به زیر انداخت و ساکت ماند. سپس گفت: فدایت شوم، انجام می‌دهم! او با ما به کوفه برگشت و چیزی بر روی زمین نداشت و حتی لباس خود را که بر تن پوشیده بود مگر اینکه رد کرد و ما برای او لباس خریدیم.

چند ماهی نگذشت که بیمار شد و ما او را عیادت می‌کردیم. روزی بر او وارد شدم، چشمهایش را باز کرد و گفت: ای علی بن حمزه، امام صادق علیه السلام به قولش وفا کرد و از دنیا رفت و ما او را به خاک سپردیم. پس از آن بر امام صادق علیه السلام وارد شدم. وقتی مرا دید فرمود: ای علی بن حمزه، والله برای دوست تو به قول خود وفا کردیم. عرض کردم: فدایت شوم، راست می‌گویی. والله به هنگام مرگش به من خبر داد. (۵۶)

۶- امر و نهی آرام و تند

امر و نهی باید به صورت آرام، صمیمی و به دور از هر گونه تنش انجام گیرد و بخش عمده امر و نهی‌های دینی به همین گونه انجام می‌شود. اما در برخی موارد به کارگیری این روش بی‌تأثیر است و ضرورت اقتضا دارد که از بیان تند و صدایی بلند استفاده شود و حتی اگر لازم و مؤثر باشد این عمل در حضور دیگران صورت پذیرد. البته تندی برخورد باید در چهار چوب معیارهای اخلاق اسلامی باشد.

مأمون برای جلب حضرت جواد علیه السلام به امور دنیوی نیرنگهای خود را به کار گرفت اما موفق نشد تا اینکه وقتی خواست دخترش ام الفضل را برای زفاف به منزل حضرت بفرستد مجلسی تشکیل داد که امام علیه السلام هم به ناچار در آن حضور داشته باشد □ و یک ترانه خوان و تارزنی را که مخارق نام داشت و از ریش بسیار بلندی برخوردار بود طلبید و از او خواست تا کاری کند که امام جواد علیه السلام به امور دنیوی سرگرم شود. مخارق گفت: اگر امام علیه السلام مشغول کاری از امور دنیا باشد من او را آنگونه که بخواهی به سوی دنیا می کشانم. سپس در برابر امام علیه السلام نشست و از خود صدای الاغ در آورد و بعد از آن ساز می زد و آواز می خواند و امام علیه السلام به او توجهی نداشت و به راست و چپ هم نگاه نمی کرد اما وقتی حضرت دید آن بی حیا ادامه می دهد سرش را به جانب او بلند کرد و فریاد زد: اتق الله.. (از خدا بترس..)

مخارق از فریاد امام علیه السلام آن چنان وحشت زده شد که ساز و تار از دستش افتاد و تا آخر عمر دست از بهبود نیافت.

مأمون از حال او پرسید، جواب داد هنگامی که امام جواد علیه السلام بر سرم فریاد کشید آن چنان وحشت زده شدم که هیچگاه این حالت از وجودم برطرف نمی شود. (۵۷)

۷- امر و نهی مذمتی

اگر امر و نهی ساده، کنایی، تشویقی و امثال آن که در مرتبه پایین تری هستند مؤثر نباشند باید امر و نهی مذمتی مورد استفاده قرار گیرد. مذمت گنهکار او را شرمنده می سازد و چون با نوعی خفت همراه است سبب تنبیه و پرهیز او از گناه می گردد. این روش با مراتب متعدد آن در میان انبیا و ائمه و صالحین پیوسته رایج بوده است.

ابو بصیر گوید در کوفه برای زنی قرآن می خواندم. یک بار در موردی با او شوخی کردم! بعد از مدتی که به خدمت امام باقر علیه السلام رسیدم مرا مورد مذمت و سرزنش قرار داد و فرمود: کسی که در خلوت مرتکب گناه شود خداوند به او نظر لطف نمی کند. چه سخنی به آن زن گفتم؟

از روی شرم و حیا سر در گریبان افکندم و توبه کردم.

امام باقر علیه السلام فرمود شوخی با زن نامحرم را تکرار نکن. (۵۸)

۸- امر و نهی تهدیدی

در مواردی که امر و نهی زبانی در مراحل پائین تأثیری ندارد انتقال به مرحله تهدید یک واجب شرعی است. البته تهدید باید حساب شده و به دور از دروغ باشد. تهدید حربه مفید و مؤثری برای هدایت و اصلاح گنهکاران است که خداوند نیز برای سعادت آدمی و تحقق ارزشهای دینی، آنها را به عذاب دنیا و آخرت تهدید کرده است.

نمونه تهدید در امر و نهی قطع امتیازات است. مثلاً به فرد گفته شود: اگر به این عمل خود ادامه دهی موقعیت شغلی تو از بین خواهد رفت. یا اعتباری نخواهی داشت، یا آرامش تو به مخاطره می افتد، رابطه دوستان و خویشاوندان با تو قطع خواهد شد، مورد ضرب و شتم قرار می گیری یا امتیازات و مساعدتهای خود را قطع

خواهم کرد اما در هر حال تهدید باید متناسب، معقول و مؤثر باشد.

۹- امر و نهی جمعی

اگر امر و نهی فردی تأثیر نداشته باشد باید احتمال تأثیر، عده ای از مؤمنین به طور دسته جمعی به گنهکار امر و نهی نمایند. با توجه به اینکه امر و نهی دسته جمعی از پیام قوی تری برخوردار است و فشار بیشتری را بر گنهکار وارد می آورد تأثیر افزونتری را به همراه دارد. مواجه شدن گنهکار با امر و نهی های دیگران به او می فهماند که عده زیادی از عمل او مطلع و ناخشنودند و این چیزی نیست که او بتواند آن را نادیده انگارد. البته امر و نهی گروهی باید با رعایت همه جوانب صورت گیرد تا آثار مطلوب آن ظاهر گردد. مثلاً می شود او را به جمعی دوستانه دعوت کرد و در ضمن گفت و شنودها به انجام معروف و ترک منکر و داشت، و یا به منزل او رفته و با رعایت مقدمات لازم و حفظ احترام و صمیمیت با او، به طور طبیعی به وظیفه عمل کرد و چنانچه لازم باشد مقصود از گردهمایی در منزل او یا هر مکان دیگر را بیان کنند و از وی بخواهند و در صورت لزوم خواهش کنند که دیگر بار به گناه باز نگردد.

۱۰- امر و نهی ملی و جهانی

امر و نهی دینی گاهی فردی نیست و دارای پیام جمعی و مربوط به گروهی از افراد است که به عنوان مثال در یک سخنرانی یا سخنان رادیویی یا تلویزیونی صورت می گیرد، و چه بسا جمع مخاطب یک ملت باشند که نمونه آن نمونه آن نهی از اسراف است که از سوی ولی امر مسلمین به ملت ایران اعلام گردید. امر و نهی برخی اشخاص به ویژه رهبران مسلمین می تواند جنبه بین المللی اسلامی و جهانی داشته باشد زیرا امر به معروف و نهی از منکر امر به خوبیها و نهی از بدیهایی است که بسیاری از آنها مورد توجه همه انسانها با همه ملیتها و عقاید گوناگون است. این قسم از امر و نهی که مخاطبان جهانی دارد از جایگاهی بس بزرگ برخوردار است. چه اینکه امر و نهی انبیاء گستره ای به اندازه تاریخ بشر دارد و بالاتر از آن امر به معروف و نهی از منکر خداوند است که به تعداد بایدها و نبایدهای احکام الهی و به همه انسانهاست. کتابهای آسمانی، کتاب امر به معروف و نهی از منکرند. رهبران امروز دنیا می توانند همانند امام خمینی از بزرگ امر و نهی کنندگان باشند اما با کمال تأسف نه تنها امر به ارزشها و نهی از ضد ارزشها نمی کنند که امر به منکر و نهی از معروف طریقه آنها گشته است به گونه ای که بدترین منکرات را در مجالس قانونگذاری به تصویب می رسانند.

امید است بزرگ امر به معروف و ناهی از منکر که نظیر امر و نهی زبانی و عملی او را تاریخ به خود ندیده است ظهور فرماید و همه معروفهای ارزشمند الهی از جمله امر به معروف و نهی از منکر را که متروک و مهجور گردیده است بر روی زمین احیا فرماید و جهان را اصلاح نماید.

عوامل تأثیرگذار در گنهکار

۱- مهربانی و گذشت

همانگونه که بیان شد پذیرش امر و نهی دینی برای برخی از گنهکاران دشوار است و این دشواری تأثیر تذکر را با مشکل روبرو می‌سازد به ویژه اگر فردی به گناه خود عادت کرده باشد و از زمینه روحی پرهیز از گناه برخوردار نباشد. نهی از منکر چنین افرادی یک طبابت معنوی و جراحی روحی است و البته طبابت در پرتو مهربانی، مدارا و دلسوزی از موفقیت بیشتری برخوردار است. امیر المؤمنین علیه السلام فرموده است: امر به معروف و نهی از منکر کنید و چنین نمی‌کند مگر کسی که از سه خصلت برخوردار است: با مدارا و انصاف امر و نهی کند و به آنچه امر و نهی می‌کند آگاه باشد.

اگر گنهکار احساس کند که امر کننده از سر دلسوزی و شفقت به او تذکر می‌دهد دشواریهای پذیرش را تحمل می‌کند و صادقانه به تذکر او توجه می‌نماید. مرحوم میرزای قمی که از علمای بزرگ بشمار می‌رود در یکی از ملاقاتهایش با فتحعلی شاه دست به ریش بلند او کشید و فرمود: ای پادشاه کاری نکن که این ریش فردای قیامت به آتش جهنم بسوزد! (۲۴)

برخی بیماران طبیب را مورد پرخاش قرار می‌دهند اما طبیب از بیمار انتقام نمی‌گیرد زیرا طبیب دشمن بیمار نیست بلکه دشمن بیماری اوست. اگر انسان در برخی موارد و موقعیتهای گستاخی‌های گنهکار را به خاطر نیل به اصلاح او تحمل کند به موفقیت‌های چشمگیری دست می‌یابد، به ویژه اگر قدرت انتقام‌گیری داشته باشد.

مرحوم حاج شیخ محمد تقی تافقی یکی از عالمان بزرگ و دارنده مقامات و کرامات بود که در امر به معروف و نهی از منکر بسیار کوشا و با شجاعت بود او در یکی از حمامها سرهنگی را می‌بیند که ریش خود را می‌تراشد. نزدیک او آمده می‌گوید: مگر نمی‌دانی که ریش تراشی در اسلام گناه است، چگونه به این گناه اقدام می‌کنی! سرهنگ از این تذکر با جرأت و شهادت او عصبانی شده به صورت او سیلی می‌زند و می‌گوید: به تو مربوط نیست که ریشم را می‌تراشم!

شیخ با کمال خونسردی مانند یک پدر دلسوز که فرزندش را نصیحت می‌کند طرف دیگر صورتش را به سمت او گرفته و می‌فرماید: یک سیلی هم به این طرف صورتم بزن اما خواهش می‌کنم ریشت را نتراش. سرهنگ از مشاهده حلم و موعظه خیر خواهانه او از عمل خود پشیمان شده، از کسی می‌پرسد این آقا کیست؟ وی می‌گوید: این آقا شیخ محمد تقی بافقی است. سرهنگ که شیخ را می‌شناسد بیشتر ناراحت شده و دست آقا را می‌بوسد و عذر خواهی کرده و به دست ایشان توبه می‌کند آنگاه مرحوم شیخ محمد تقی بافقی در تمام شهر قم

ریش تراشی را ممنوع می‌کند و از آرایشگران قم تعهد می‌گیرد که ریش تراشی نکنند. (۲۵)

۲- بزرگواری

متانت و بزرگواری زینت امر و نهی کننده است. انسانهای بزرگوار محبوبیت عمومی دارند و سخنانشان تأثیر به سزائی دارد همانگونه که سبکسری و برخورد های ضعیف تأثیر تذکر را از بین می‌برد.

مردی نصرانی با جسارت به امام باقر علیه السلام گفت: تو بقر هستی؟ امام علیه السلام فرمود: من باقر (شکافنده علم) هستم. نصرانی گفت: تو پسر آشپز (نان پز) هستی؟ امام علیه السلام فرمود: این حرفه او بود. نصرانی گفت: تو پسر کنیز سیاه بد زبان می‌باشی؟ (مادر امام باقر زنی با فضیلت و دختر امام حسن مجتبی علیه السلام بود) امام باقر علیه السلام فرمود: اگر راست می‌گویی خدا او را بیامرزد و اگر دروغ می‌گویی خدا تو را بیامرزد. مرد نصرانی که این بزرگواری و شکیبایی را از امام علیه السلام دید به شگفت آمد و مسلمان شد. (۲۶)

۳- احترام به گنهکار

اگر چه گنهکار حرمت خود را زیر پا نهاده و با ارتکاب گناه و عدالت و تقوای خود را ضایع کرده است که حفظ آن را لازم می‌داند و کسانی را که به شخصیت آسیب دیده او احترام گذارند به دیده احترام می‌نگرد. این برخورد محترمانه متقابل گنهکار، او را از پرخاشگری باز می‌دارد و میزان پذیرش او را افزایش می‌دهد. ضمن اینکه احتمال دارد از حکم شرعی (حرام بودن عمل) خود عده زیادی حرمت ریش تراشی را می‌دانند اما گمان برده اند تنها ریش تراشی با تیغ حرام است و با ماشینهای دستی یا برقی حرام نمی‌باشد، که باید برای آنها بیان شود که داشتن ریش یک معروف است و عریان کردن صورت با هر وسیله که باشد یک منکر به حساب می‌آید.

۴- استمداد از خداوند

امر و نهی دینی از جمله حرکت های مقدس و بسیار مهم مؤمن است که در صحنه های اجتماعی تجلی می‌یابد. انجام و تأثیر چنین حرکت هایی بدون کمک از حضرت حق تعالی میسر نیست. اگر اراده الهی با حرکت ما همراه نباشد سخن ما همچون حبابی که از ریزش باران بر آب ایجاد می‌شود پس لحظه ای از بین خواهد رفت. از خدای تعالی می‌خواهیم که امر و نهی ما را با استقبال و پذیرش چشمگیر افراد روبرو گرداند و بذر کلام ما را در جان شان بارور فرماید که او بهترین مددکار است.

۵- اخلاص

اخلاص رمز موفقیت حرکت های الهی است. اگر چه امر به معروف از جمله عباداتی نیست که نبود اخلاص سبب بطلان آن گردد اما وجود چنین حالت ارزنده ای اجر و تأثیر آن را افزایش می‌دهد و بعکس، ریا کاری، خودنمایی و غرض ورزی امر و نهی را بی اثر و چه بسا با آثار نامطلوب همراه سازد.

۶- توکل

توکل پشتوانه همه حرکت‌های ایمانی است. هر چند انسان از همه عوامل موفقیت در امر و نهی دینی برخوردار باشد نباید بر آنها اتکا داشته باشد بلکه باید ضمن به کارگیری همه امکانات برای اصلاح دیگران تنها بر خداوند توکل کند و امر خود را بر او واگذارد.

امام صادق علیه السلام فرموده است: کسی که می خواهد امر به معروف کند باید با مردم مهربان و مدارا نماید و با ملاطفت و گفتار خوش آنان را به خوبیها و ترک بدیها دعوت نماید و اخلاق و مراتب فهم آنها را در نظر گیرد تا با توجه به آن با آنان رفتار نماید، آگاه به مکر نفس و حيله های شیطان باشد و در برابر آزار و زحمت دیگران صبر و استقامت ورزد و با آنها مقابله و از آنها گله و شکایت ننماید و با خود پسندی و خود بینی و تنیدی و درشتخویی برخورد نکند و هدفش خداوند و اجر الهی باشد. پس اگر با وی مخالفت و به او ستم نمودند شکیبایی نماید و اگر موافقت کردند شکر کند. امر خود را به خدا واگذارد و به عیوب خود توجه داشته باشد. (۲۷)

۷- ذکر خوبیها

ذکر برخی از خوبیها گنهکار با رعایت همه جوانب امر رد بسیاری از موارد تأثیر امر و نهی را افزایش می دهد. زیرا ذکر خوبیها او را به تذکر دهنده خوشبین و ارزش جویی او را تقویت می کند و با چنین روحیه ای پذیرش تذکر آسان می گردد و تأثیر آن فزونی می یابد. این روشی بود که فاطمه زهرا سلام الله علیها در امر به معروف خودبه کسانی که در دفاع از حق امیر المؤمنین علیه السلام بعد از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم سکوت کرده بودند مورد استفاده قرار می داد. آن حضرت در ابتدا سابقه مجاهدتهای آنها را در جبهه های دفاع از اسلام یاد آور می شد و سپس آنها را به دفاع از ولایت و امامت امر می فرمود. ذکر سابقه مجاهدتهای کسانی که بعد از جنگ ایران و عراق به غفلت از وظایف یا انجام محرمات دینی گرفتار آمدند نیز مؤثر است. مثلاً گفته شود: تصور اینکه شما با آن همه مجاهدتها و ایثار در راه خدا مرتکب چنین عملی گردید دشورا است. یا اگر کسی دارای خانواده اصیلی است با ذکر این اصالت خانوادگی، او را چنین بر حذر داشت: شأن خانوادگی شما بالاتر از این است که از لباسهای زننده و غربی استفاده کنید.

یا به کسی که دارای وجهه اجتماعی است گفته شود: سزاوار است کسی مثل شما که از اعتبار اجتماعی برخوردار است از رفت و آمد با برخی افراد ناموجه پرهیز کند. یا به کسی که دارای حسن سابقه در بین مردم است گفته شود: حیف است که سابقه ارزشمندی را که به قیمت عمر شما به دست آمده اشت در پس کسب اندکی مال حرام یا حرکتی غیر شرعی ضایع کنید. یا به کسی که علاقمند به ارزشهای دینی است گفته شود: شما به حمد الله معتقد به ارزشهای دینی هستید، چه خوب است از کلمات زشت پرهیز کنید و به افراد بزرگوار گفته شود سزاوار نیست که بزرگوارانی چون شما خلف وعده نمایند. یا به کسی که داری صفات نیک اخلاقی است گفته شود شما در تدین و تقوا معروف هستید انتظار می رود حجاب خانواده شما بهتر از این باشد. حتی اگر کسی از صفت

نیکی بر خوردار نباشد □ که چنین امری به ندرت تحقق می‌یابد □ می‌توان به او گفت: حیف نیست کسی مثل شما که می‌تواند انسانی وجیه، با تقوا و مورد محبت خدا و مردم و خویشاوندان باشد خود را به گنهکاری مورد بغض خدا و نفرت مردم تبدیل کند؟

۸- عمل به دستوره‌های دینی

کسی که خود اهل عمل به فرامین الهی است و از معصیت دوری می‌کند امر و نهی او از تأثیر بیشتری برخوردار است.

امام صادق علیه السلام فرموده است: کسی امر به معروف و نهی از منکر می‌کند که دارای سه خصلت باشد: عمل کند به آنچه امر می‌کند و پرهیز نماید از آنچه نهی می‌کند و عادل باشد در آنچه امر و نهی می‌نماید و در امر و نهی خود مدارا نماید. (۲۸)

۹- صبر و استقامت

از جمله عوامل تأثیرگذار در امر و نهی دینی صبر و استقامت است.
قرآن کریم از زبان حضرت لقمان می‌فرماید:

یا بنی اقم الصلوه و امر بالمعروف و انه عن المنکر و اصبر علی ما اصابک ان ذلک من عزم الأمور (۲۹)
ای فرزند، نماز را بپای دار و امر به معروف و نهی از منکر نما و در این راه بر آزادی که به تو می‌رسد صبر پیشه کن که این نشانه‌ای از ثبات عزم در کارهاست.

با زود رنجی و عصبانیت نمی‌توان به اصلاح مردم پرداخت کسانی که اینگونه اند عملاً در حرکت خود ناموفقند. امر به معروف و نهی از منکر برای کسانی است که نافرمانی خدای تعالی کرده‌اند و بعید نیست فردی که نافرمانی خداوند کرده است، نسبت به امر و نهی کننده هم نافرمانی کند، عکس العمل منفی ابراز نماید، پرخاش کند، آزار رساند و زیان وارد کند. چرا که این حرکات سیره بسیاری از گنهکاران بوده است. در اینجاست که باید صبر و استقامت داشت که این صبر و شکیبایی نشانه عزم استوار صالحین در راه اصلاح مردمان گنهکار است.

در ایام سلطنت رضا خان که دستگاه سلطنتی فحشا و منکرات را آشکار کرده بود، مرحوم شیخ محمدتقی بافقی (ره) با همکاری سایر علمای قم با منکرات مبارزه می‌کرد تا آنکه از سوی حکومت ظالم اعلام شد کسی حق نهی از منکر ندارد و باید مردم در اعمال خود آزاد باشند. مردم متدین مخصوصاً علمای قم از این اقدام دولت بسیار ناراحت شدند اما از ترس حکومت دیکتاتوری رضا خان جرأت اقدام نداشتند. در این هنگام بود که همچنان از سوی علما و حوزه علمیه صدای مخالفت بلند شد.

ایام عید بود و مردم از هر سو برای تحویل سال در حرم و صحن حضرت معصومه سلام الله علیها اجتماع کردند و از طرفی خانواده سلطنتی با وضع بی‌حجابی و بزک کرده در جلو حجره‌های بالای صحن در انتظار مردم

خودنمایی می کردند. مرحوم بافقی که طاقت تحمل این منکرات را نداشت به خانواده سلطنتی پیام داد: اگر شما مسلمانید چرا با این وضع در حرم حضرت معصومه سلام الله علیها حاضر شده اید و اگر مسلمان نیستید چرا اینجا آمده اید؟ و در شهر اعلام کرد سه ساعت به غروب مانده در صحن مطهر اجتماع کنند.

علما و مردم در ساعت مقرر در صحن مطهر حاضر شدند و مرحوم بافقی شروع به سخنرانی کرد و این آیه را عنوان کرد: و لتکن منکم امه یدعون الی الخیر یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر سپس با صدای بلند خطاب به مردم فرمود: اما فیکم رجل رشید؟ آیا در میان شما یک مرد رشید نیست که جلوی این اهانتها و جسارت‌های به احکام قرآن را بگیرد؟ کار به جایی رسیده است که علناً با امر به معروف و نهی از منکر مخالفت می کنند. این سخنرانی مردم را به حرکت در آورد به طوری که جاسوسها و مأموران رضا شاه به وحشت افتادند و خانواده سلطنتی ترسیدند که مردم با آنها برخورد کنند.

سرانجام حکومت نظامی در شهر قم برقرار شد و رضاشاه با جلادهای خونریزش وارد قم شد و به تیمور تاش وزیر دربار وقت دستور داد که آقای شیخ محمدتقی بافقی را دستگیر کند و به نزد او بیاورد. در آن ساعت او در مسجد بالا سر قم مشغول موعظه و بیان احکام بود که تیمور تاش وارد شد و آن بزرگوار را با وضع فجیعی دستگیر کرد و به نزد شاه جلاد آورد. تا چشم آن ظالم به این عالم افتاد چنان غضبناک شد که حالت درندگی پیدا کرد و به او حمله کرد و زیر چکمه خود انداخت و آنچه می توانست ضرب و جرح و هتاک می کرد. مرحوم بافقی در زیر چکمه ها و کتکها فقط صدا می زد: « یا صاحب الزمان ادرکنی! » تا آنکه رضا شاه خسته شد و از او دست کشید و دستور داد او را به تهران آورده زندانش کنند! (۳۰)

۱۰- افشای منشأ گناه

افشای عوامل اصلی گناه، در صد تأثیر امر و نهی دینی را افزایش می دهد. زیرا برخی از گنهکاران با فریب و پیروی از فرد یا گروهی به گناه آلوده می شوند که در صورت افشای آن افراد از امر و نهی دینی استقبال می کنند. سیره انبیا و ائمه دین بر افشای چهره های اصلی گناه و گمراهی بوده است. پیامبران الهی در ضمن حرکت‌های اصلاحی جامعه چهره سردمداران کفر و گمراهی را رسوا می کردند و گاهی نظیر حضرت موسی علیه السلام به مبارزه می پرداختند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت او علیهم السلام همواره به افشای سردمداران انحراف مبادرت می ورزیدند.

امام خمینی رحمه الله به موازات توجه به اصلاح مردم سعی وافر در افشای چهره اصلی امریکا، اسرائیل، شاه و سران گروههای منحرف داشت. چنین حرکت اساسی زمینه قبول و پذیرش امر و نهی دینی را در گنهکاران افزایش می دهد. زیرا مردم از هماهنگی و همسویی عملی با چهره های منفی اجتناب می ورزند. اگر در شهر یا محلی فرد یا گروهی سبب گمراهی فکری، اخلاقی یا سیاسی افراد گردند باید ضمن امر و نهی دینی مردم افشاگری لازم، منطقی و شرعی صورت پذیرد.

افشای چهره کریه غرب که منشأ گرفتاریها و کج رویهای ملت‌های مسلمان است یک ضرورت است. چنانچه

افشای چهره بعضی از همسایگان، دوستا، اقوام که نقش گمراه کننده و انحرافی در سایر افراد دارند ضروری است. چنین افشاگریها خود یک معروف است. البته اگر با نهی از منکر از گمراهی مردم دست بردارند به همین اکتفا شود در غیر این صورت باید مورد افشا قرار گیرند.

عبد السلام بصری یکی از بزرگان صوفیه بود. روزی در اثنای نماز جماعت چرخ چرخ به زبان آورد. بعد از نماز یکی از مأمومین سؤال کرد: آقای ما! این چه بود که در حال نماز گفتید؟ عبدالسلام جواب داد: از همین مکان (در بصره) دیدم سگی در مسجد الحرام از کنار در خانه خدا عبور می کند. با چنخی که در نماز کردم سگ ترسید و از آنجا گذشت. حاضران از کرامت و قدرت مشاهده او به شگفت آمدند و دست و پای او را بوسیدند. یکی از مریدان که زنی شیعه داشت کرامت وی را برای همسرش نقل کرد و او را ترغیب نمود که به مذهب وی بگردد و دست از مذهب شیعه بردارد. زن گفت: حاضریم اما به شرط آنکه او را دعوت کنی تا با مریدان خود در منزل ما برای شام مهمان باشد. او پذیرفت و عبدالسلام را با سایر مریدان به شام دعوت کرد او هم پذیرفت و شب هنگام برای صرف شام به منزل وی آمد. زن شیعه برای هر یک از مهمانان یک ظرف برنج که مرغ بریان شده ای بر روی آن قرار داشت تهیه کرده بود و به شوهرش گفت جلوی آنها بگذارد. اما ظرف برنج عبد السلام را به ظاهر بدون مرغ نهاد، بدین صورت که سهم مرغ او را زیر برنجهای قرار داد که دیده نشود. وی هر چه صبر کرد از مرغ خبری نشد. مریدان غذا می خوردند و او در حالی که ناراحت به نظر می رسید همچنان چشم به در دوخته و منتظر رسیدن مرغ بریان شده بود.

زن که از پشت پرده او را زیر نظر داشت وقتی ناراحتی و حالت انتظار او را مشاهده کرد وارد مجلس شد و ظرف برنج را زیر رو کرد و مرغ را به صوفی نشان داد و گفت چطور شما با این کشف و کرامت در نماز مسجد بصره، عبور سگی را در مسجد الحرام می بینید اما مرغ بریان جلوی خود را به این نزدیکی، در زیر برنج ندیدی؟ عبدالسلام بصری متوجه شد که زن خواسته است با این دعوت حقیقت او را در نزد مریدان بر ملا سازد و شوهرش و دیگران را از سرسپردگی بیهوده و جاهلانه باز دارد. آنگاه با عصبانیت برخاست و غذا نخورده با مریدان نادان از خانه خارج شد. شوهر زن که این حقیقت را مشاهده کرد به تزویر او پی برد، و به جای آنکه همسر خود را به مذهب خویش در آورد با راهنمایی او شیعه شد و طوق ارادت عبد السلام را به دور افکند. (۳۱)

۱۱- ملاحظه زمینه های مناسب

با استفاده ظریف از زمینه ها می توان تأثیر امر و نهی دینی را به گونه ای چشمگیر افزایش داد. مرد فقیری پسر خردسالی داشت. روزی به او گفت: بیا امروز قدری میوه از باغی سرقت کنیم. پسر خردسال با نارضایتی با پدر به راه افتاد. وقتی به باغ رسیدند پدر به فرزندش گفت: تو در اینجا نگاهبان باش و اگر کسی آمد زود مرا خبر کن تا کسی ما را در حال دزدی نبیند و مشغول چیدن میوه از درخت مردم شد. لحظه ای بعد پسر فریاد زد: یک نفر ما را می بیند! پدر با ترس و عجله از درخت پایین آمد و پرسید چه کسی؟ کجاست؟ پسرک زیرک گفت: همان خدایی که از همه چیز آگاه است و همه چیز را می بیند! پدر از گفتار نیکوی فرزند شرمند شد

و بعد از آن دزدی نکرد. (۳۲)

این گونه مناسبتهای فراوان یافت می شود که می توان با نوعی فراست و زیرکی به آنها دست یافت. زمانی که مرحوم محمدتقی مجلسی به شهرت نرسیده بود یکی از ارادتمندان او به نزدش شکایت آورد که از آزار همسایه به تنگ آمده ام. شبها دوستان نا اهل خود را جمع می کند و تا صبح به شرابخواری و لهو و لعب مشغولند و آسایش ما را از بین برده اند. ایشان فرمودند: امشب آنها را میهمان کن و من هم می آیم، شاید خدای متعال او را هدایت کند. او همسایه اش را که رئیس اشرار بود به همراه دوستانش دعوت کرد ملا محمدتقی مجلسی هم زودتر به منزل او رفت و در گوشه ای نشست.

وقتی رئیس اوباش و دوستانش وارد شدند و چشمشان به آن عالم دینی افتاد ناراحت شدند، زیرا با وجود او عیش آنها به هم می خورد. در هر صورت نشستند. رئیس آنها به ملا محمدتقی گفت چه شد که تو هم به جرکه ما وارد شدی؟

در پاسخ گفت: فعلاً که چنین پیش آمده است.

سپس برای آنکه ملا محمدتقی را از مجلس بیرون کند و آزاد باشد سر سخن را باز کرد و گفت: راهی که شما در پیش گرفته اید بهتر است یا شیوه ای که ما داریم؟ جواب داد: باید آثار و خواص کار خود را بیان کنیم تا معلوم گردد کدام بهتر است. رئیس اوباش گفت: این حرف منصفانه است و ادامه داد یکی از اوصاف ما این است که اگر نمک کسی را خوردیم نمکدان نمی شکنیم.

ملا محمدتقی فرمود: این طور نیست و قبول ندارم که شما این گونه باشید. او پاسخ داد انکار شما بی مورد است زیرا این از امور مسلم ما جوانمردان است. ملا محمدتقی فرمود: اگر چنین است می پرسم آیا شما هرگز نمک خدا را خورده ای؟ او سر به زیر انداخت و پس از اندکی از مجلس برخاست و رفت و همراهان او هم رفتند.

صاحب منزل گفت: بدتر شد، قهر کردند و رفتند.

ملا محمدتقی فرمود: تا ببینیم چه می شود! صبح روز بعد رئیس اوباش به در منزل ملا محمد تقی آمد و با شرمساری تمام عرض کرد: سخن دیشب شما سخت در دل من اثر کرد و خواب را از چشمم ربود.

چه خوش صید دلم کردی بنام چشم مست را

که کس آهوی وحشی را از این خوشتر نمی گیرد

۱۲- توجه به زمان و مکان

انتخاب زمان و مکان مناسب که بیشترین زمینه را برای بیان و پذیرش و نهی به همراه داشته باشد تأثیر آن را افزایش می دهد و این انتخاب تا حدود زیادی به فهم و ذکاوت و سلیقه امر و نهی کننده بستگی دارد. از همین رو موقع شناسی امر و ناهی یکی از اصول موفقیت او خواهد بود. مثلاً با اندکی دقت و بررسی می توان دریافت که امر و نهی در مکان گناه، محیط منزل یا کار و یا هر محیط خلوت دیگر چگونه خواهد بود و همچنین در کدام

زمان روحیه پذیرش او بیشتر است. مثلاً اگر بعد از نماز جمعه یا هر نماز جماعت دیگر که فرد از روحیه معنوی بیشتری برخوردار است امر و نهی شود پذیرش بیشتری دارد در همان زمان امر و نهی شود. البته همیشه فرصت انتخاب زمان و مکان وجود ندارد و باید هر صورت با وجود شرایط به وظیفه عمل کرد.

۱۳- دعا به گنهکار

یکی از عوامل تأثیر گذار که نتیجه مثبت آن بارها به تجربه رسیده است دعا و تشکر از گنهکاری است که از امر و نهی استقبال می‌کند. زیرا با این حرکت به دلسوزی انسان پی می‌برد و چنین امری یک موفقیت در امر و نهی به حساب می‌آید. مثلاً به وی بگوییم از استقبال شما نسبت به حکم خدا سپاسگزاریم، خداوند توفیق انجام این واجب را همواره به شما عنایت فرماید، یا خداوند شما را از تکرار این کار حفظ فرماید. مثلاً به خانمی که با امر به حجاب مراعات می‌کند دعا شود که خداوند همیشه شما را از زنان با حجاب و با تقوای جامعه قرار دهد.

۱۴- زمینه سازی

یکی از عوامل موفقیت امر و نهی دینی ایجاد زمینه‌های مناسب تأثیر است. زمینه سازی به معنای ایجاد مقتضیات تأثیر و بر طرف ساختن موانع موفقیت در امر و نهی است. مثلاً کسی که امر و نهی فردی دیگران را می‌پذیرد جمعی با هماهنگی قبلی او را با خود همراه سازند و در فرصتی مناسب به طور دسته جمعی او را مورد امر و نهی قرار دهند یا اگر در موردی نیازمند کمک است نیاز او را بر طرف سازند و همزمان با این مساعدت او را مورد امر و نهی قرار دهند و حتی می‌توانند کمک خود را مشروط به انجام واجب یا ترک منکر نمایند. زمینه سازی باید حساب شده و به طور طبیعی صورت پذیرد اگر چه به هنگام نتیجه گیری معلوم شود برنامه ای در کار بوده است.

مسلمه بن عبد الملک از مرای لشکر بود و در جبهه جنگ روم سیمت فرماندهی داشت. وقتی عمر بن عبد العزیز به خلافت رسید او را به شام احضار کرد و اجازه داد همه روزه به حضورش برسد. در آن ایام به خلیفه گزارش رسید که مسلمه در زندگی خود به زیاده روی و اسراف گراییده است و برای تهیه غذاهای گوناگون روزانه هزار درهم خرج سفره می‌پردازد. عمر بن عبد العزیز از این خبر به شدت ناراحت شد و تصمیم گرفت از مسلمه انتقاد کند و او را از این روش نا صحیح بازدارد. برای آنکه تذکرش مؤثر واقع شود شبی از مسلمه دعوت کرد که شام را به طور خصوصی با خلیفه تناول کند. این دعوت برای او مایه سربلندی و افتخار بود و با کمال میل آن را پذیرفت.

عمر بن عبد العزیز به مسئول آشپزخانه خود دستور داد که در آن شب، انواع طعامها را تهیه کند و آشی از عدس، پیاز و زیتون نیز آماده نماید و هنگامی که دستور آوردن شام داده می‌شود در ابتدا آش را بر سر سفره آورد

و سپس با مقداری فاصله سایر غذاها را حاضر کند.

شب موعود فرا رسید و مسلمة شرفیاب شد. مجلس بسیار خصوصی بود و جز میزبان و مهمان کسی حضور نداشت. عمر بن عبدالعزیز پیرامون اوضاع مردم و جنگهای آن منطقه از مسلمة پرسشهایی کرد و او پاسخ می داد. مجلس به درازا کشید و از هنگام خوردن شام دو ساعتی گذشته بود که خلیفه دستور داد غذا را آورند. سفره گسترده شد و بر طبق قرار قبلی در ابتدا آش را حاضر کردند. مسلمة که سخت گرسنه شده بود به انتظار غذاهای دیگر نماند و خود را به آش سیر کرد. وقتی طعامهای رنگارنگ را آوردند اشتها نداشت و از آنها چیزی نخورد. عمر بن عبد العزیز سؤال کرد چرا نمی خوردی؟ جواب داد سیر شده ام. خلیفه گفت: سبحان الله، تو از این آش که یک درهم خرج آن شده است سیر می شوی اما برای رنگین کردن سفره خود روزی هزار درهم خرج می کنی! از خدا بترس، اسراف نکن و این پول گزافی را که برای تجمل صرف می نمایی به مستمندان بده که رضای خدا در آن است.

موعظه خصوصی و تذکر خیر خواهانه عمر بن عبد العزیز در مسلمة اثر گذارد، به عیب خود متوجه شد، از خلیفه سپاسگزاری کرد و با تحول فکری و روحی به منزل خویش بازگشت. (۳۳)

۱۵ توجه به نوع تفکر و روحیه ها

بدون شک سطح فکری و اخلاقی گنهکاران و همچنین سن، سابقه ایمانی و خصوصیات خانوادگی آنها دارای تفاوت و مراتب گوناگونی است که توجه به آنها تاثیر امر به معروف و نهی دینی را افزایش می دهد. به برخی گنهکاران که به شخصیت خود حساسیت دارند می توان گفت: اگر کسی دیگر این عمل شما را انجام می داد طور دیگری بود اما از یک انسان با شخصیتی مثل شما انتظار نمی رود با افراد کم شخصیت یا بی شخصیت سربازار بایستید و شوخی رکیک کنید یا با آنها رفت و آمد داشته باشید.

به کسی که به شهرت خوب اهمیت می دهد گفته می شود: شما در بین مردم از شهرت خوبی برخوردارید. این شهرت ارزشمند را که با چیزی نمی توان مقایسه کرد با فحش دادن به دیگران از بین نبرید.

به کسی که به سابقه ایمانی و دینی خود اهمیت می دهد گفته شود: از کسی مثل شما که سابقه دینی طولانی و حرکت در راه خدا دارد و همه او را به نیکی می شناسند انتظار نمی رود کاری کند که سابقه خوب خود را که طی یک عمر به دست آورده است از دست بدهد.

به کسی که به منطقی اندیشیدن اهمیت می دهد گفته شود: ما شما را فردی منطقی می دانیم و صحیح نیست که یک انسان منطقی به گونه ای درباره دیگران اظهار نظر کند یا توهین و تهمت زند که گفته شود سخنان و برخوردهای او غیر منطقی و خلاف شرع است.

به کسی که به غیرت و مردانگی اهمیت می دهد گفته شود: از مرد غیرتمندی مثل شما انتظار نمی رود که دختر یا همسرش بدون پوشش شرعی در جامعه ظاهر شود و چه بسا با کلماتی زننده از سوی افراد هرزه روبرو گردد.

به کسی که به روشنفکری علاقه مند است و از تحصیلات بالا برخوردار است گفته شود: شما جزو افراد

روشنفکرید و برای همین انتظار جامعه از شما بسیار زیاد است و در شان و مصلحت شما نیست که با چنین سر و وضع و لباسی در جامعه ظاهر شوید.

به کسی که به وقار و هیبت علاقه مند است گفته شود: سخنان ضعیف و شوخیهای بی مورد یا نشست و برخاست زیاد با زنان و یا تراشیدن ریش که چهره شما را عریان می‌سازد، هیبت و وقار شما را زایل می‌کند.

به کسی که به اقوام خود اهمیت می‌دهد گفته شود: انتظار خویشاوندان این است که شما با این دوستان ناباب رفت و آمد نداشته باشید یا این اعمال را ترک کنید.

به کسی که به نظرات مرجع خاصی اهمیت می‌دهد، فتوای آن مرجع در خصوص حرمت عمل او ذکر شود. مثلاً به کسی که از کراوات استفاده می‌کند گفته شود مقام رهبری استفاده از کراوات را جایز نمی‌داند.

به زنی که به عفت و نجابت حساسیت دارد گفته شود: در شان یک زن عقیف نیست که بخواهد قیافه، موهای سر یا زینتهایش را در معرض دید مردهای نامحرم قرار دهد.

به کسی که به موقعیت اجتماعی خود اهمیت می‌دهد گفته شود: شما عمری است که از موقعیت خوبی در بین مردم برخوردارید اما این کارهای شما یا اعمال پسر، دختر یا همسر و یا افرادی که به منزل شما رفت و آمد دارند این موقعیت را خدشه دار می‌سازد.

از کسی که به امام زمان علیه السلام علاقه خاصی داشت و ریش خود را تراشیده بود سوال شد امام زمان علیه السلام محاسن دارد یا ریش خود را می‌تراشد؟ پاسخ داد: محاسن دارد. گفتم نمی‌خواهی چهره ات همانند امام زمان علیه السلام باشد؟ جواب داد می‌خواهم.

به کسی که اهل قناعت و ترویج فرهنگ آن در بین مردم بود گفته شود اگر شما اهل قناعت بودی به حلال خدا قناعت می‌کردی.

آنچه بیان گردید برای نمونه بود و می‌توان از روایات، تفکر و علاقه هر کس در جهت امر و نهی او استفاده کرد.

۱۶- همکاری حکومت و مردم

امر به معروف و نهی از منکر حقیقتی است که اگر در بستر مناسب خود و همراه با زمینه‌های مساعد اجتماعی و اهرمهای قدرت حکومتی و فردی و توانمندیهای فکری، اخلاقی و رفتاری باشد از تاثیر و موفقیت بالایی برخوردار است. در این میان همراهی دولت در احیای ارزشها و امر و نهی دینی و تقویت امر و ناهی تأثیری بسزا دارد، ضمن اینکه گنهکار را با پذیرش بیشتری همراه می‌سازد و حداقل برخوردهای منفی احتمالی او را کاهش می‌دهد. حکومت می‌تواند فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر را فرهنگ رایج و معمول اجتماع کند، حمایتهای خود را از اصلاحگران جامعه اعلام و عملی سازد و نه تنها از گنهکاران حمایت نکند که بر مذمت و برخورد با آنها اصرار داشته باشد. در این فضای اجتماعی ارزشمند است که گنهکاران جرات خود را از دست می‌دهند و هدایتگران اجتماع توان امر و نهی پیدا می‌کنند و دیگران هم به انجام این فریضه راغب می‌شوند.

این وحدت مقدس تنها در پرتو دستگاه قضایی صالح و دولت کریمه تحقق می‌یابد. تصویب قوانین امر به معروف و نهی از منکر به گونه‌ای جامع و درخور اجرا همانند دیگر قوانین اجتماعی به عنوان یک ضرورت در تحقق وحدت و همیاری حکومت و مردم مطرح است. وجود این قوانین از مهمترین پشتوانه های دلگرم کننده مردم در اصلاح اجتماع است. مصوباتی که حرکت مردم را به طور کامل شکل قانونی دهد و برای همه مردم و دستگاههای دولتی و تبلیغاتی بویژه رادیو و تلویزیون تعیین تکلیف به گونه‌این که ترک این فریضه الهی در همه جا خلاف قانون تلقی شود آنگاه است که جامعه روی صلاح خواهد دید.

فصل پنجم

شیوه های رفتاری در امر و نهی

امر به معروف نشان روشن غیرت دینی مومن است.

شیوه های رفتاری در امر و نهی دینی

همه کسانی که به عنوان خطاکار مورد امر و نهی دینی قرار می گیرند دارای روحیه و ویژگیهای یگانه و همسو نیستند و بنابراین باید برخورد با آنها متناسب با ویژگیهای آنان صورت پذیرد. در این فصل به تحلیل های اخلاقی، روانی و اجتماعی آنها می پردازیم. البته شیوه امر و نهی گروههایی که ذکر می شود به آنچه بیان می گردد منحصر نمی شود و شیوه های دیگری که در مباحث مختلف این کتاب آمده است می تواند مفید باشد.

شیوه امر و نهی به نوجوانان

برخورد موفق با نوجوانان گنهکاری که به تکلیف رسیده اند شیوه خاص خود را می طلبد. آنها بر اساس اعتماد، اظهار محبت، هماهنگی روحی با آنان، تشویق، جایزه و امثال آن ارشاد می شوند. امر و نهی به آنها باید به طور روشن و توأم با احترام صورت گیرد. مثلاً به آنها گفته شود: تو پسر یا دختر خوبی هستی اما می توانی بهتر از این هم باشی و آن در صورتی است که به دیگران دروغ نگویی، آزار نرسانی یا در منزل مردم نگاه نکنی یا نماز خود را به طور مرتب بخوانی یا در جلسه آموزش قرآن شرکت نمایی.

رجاء بن حیات گوید روزی من و پدرم نزد معاذ بن جبل بودیم. معاذ از پدرم پرسید این فرزند کیست؟ پدرم جواب داد: این فرزندم (رجاء) است.

معاذ گفت: آیا قرآن را به او آموخته ای؟ جواب داد: خیر

معاذ گفت: قرآن را به او بیاموز. من از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمود: مردی نیست که به فرزندش قرآن را آموزش دهد مگر اینکه در روز قیامت تاج سلطنت بر سر پدر و مادر او گذارده می شود و با دوحله پوشانده می شوند که مردم نظیر این حله ها را ندیده اند. سپس معاذ با دست خود بر شانه من زد و گفت: پسرم، اگر دوست داری که در روز قیامت دو حله به پدر و مادر خود ببوشانی قرآن را بیاموز. (۶۴)

خطاب به نوجوانان به جمله دخترم، پسرم یا پسر خوب در جلب عواطف آنها موثر است. از سویی القای حس رقابت در رشد و صلاح نوجوانان نکته شایان توجه است. مثلاً به او گفته شود: انتظار من از شما این است که این عمل را ترک کنی همانگونه که آن نوجوان این عمل را انجام نمی دهد. یا به او گفته شود: خداوند بچه های را دوست دارد و خوبی انسان به عمل اوست که کار خوب کند و کار بد را ترک نماید. من دعا می کنم که از این پس شما این عمل را انجام ندهی یا این دستور خدا را انجام دهی.

بیشتر گناهان نوجوانان با توجه به شرایط سنی آنها ناشی از جهل ایشان به حکم خدا صورت می گیرد از این رو توضیح واجب و حرام در یک جو دوستانه و مطابق با فهم نوجوانان اثر خوبی دارد.

شیوه امر و نهی به جوانان

هنگامی که انسان دوران کودکی و نوجوانی را سپری کرد به دوران جوانی یعنی بلوغ فکری و جسمی و

شکوفایی استعدادها و انتخابهای خود نایل گردید با توجه به توانایی های جسمانی و موفقیت های طلایی که در انتخاب و تصمیم گیریهای خود در عرصه های مختلف زندگی دارد، برای خود ارزش و شخصیت خاصی قائل است و دوست دارد دیگران به او نگرش مثبت و محترمانه ای داشته باشند و در عمل شخصیت او را مورد توجه قرار دهند و در مقابل به کسانی که به این خواسته او توجه کرده، احترام او را بویژه در نزد دیگران حفظ می کنند صمیمیت و علاقه بیشتری ابراز می دارد. البته این روحیه در مقاطع بعدی عمر هم ادامه دارد اما دوران شروع آن از اهمیت و حساسیت بیشتری برخوردار است.

استفاده از این ویژگی جوان موفقیت امر و نهی دینی به او را افزایش می دهد. چه اینکه جوانان به پذیرش حق نزدیکتر و سریعترند. مثلاً به او گفته شود: یک جوان با شخصیت، دیگران را تمسخر نمی کند، یا حیف نیست که روح پاک یک جوان به گناه آلوده شود! یا جوانمردی و شجاعت به این نیست که کسی را بدون دلیل شرعی و عقلی مورد ضرب و شتم قرار دهی بلکه شجاعت و مردانگی به این است که برای دفاع از حق ستیزه کنی، با روح پاک جوان عزیزتر از آن است که با تقلید از کفار غرب در لباس و وضعیت سر و صورت، خود را به ذلت بکشاند، یا جشن عروسی و نقطه شروع زندگی شرافتمندانه خود را به معصیت آلوده نکن.

ارشاد جوانان در نظر اسلام از اولویت خاصی برخوردار است و علت آن پذیرش سریع و قدرت عمل و طول عمری است که جوانان از آن برخوردارند که در پرتو آن می توانند برکات و خدمات فراوانی را به اسلام و مسلمین ارائه دهند.

در بحث قبل شیوه نهی مختلفی را برای بر خورد مثبت با نوجوانان بیان کردیم که آن شیوه ها را می توان در برخی از موارد برای جوانها نیز مورد استفاده قرار داد.

شیوه امر و نهی به بزرگسالان

امر و نهی بزرگسالان از سوی کسانی که از سن کمتری برخوردارند نیازمند اجرای برخی از شیوه هاست که به تحلیل آنها می پردازیم.

با توجه به اینکه بزرگسالان از سابقه ایمانی بیشتری برخوردار بوده احترام آنها مورد توجه اسلام است و از طرفی خود را با تجربه تر از دیگران دانسته و آنها مورد توجه اسلام است و از طرفی خود را با تجربه تر از دیگران دانسته و چه بسا آگاهتر از آنها به حساب آورند، برخی از آنها به نوعی غرور پیری مبتلا می گردند که امر و نهی دینی را با مشکل روبرو می سازند و به همین علت باید به گونه ای مورد امر و نهی قرار گیرند که به اظهار غرور آنها منتهی نشود. زنان و مردان کهنسال که عمر خود را صرف خدمت به جامعه و نسل حاضر کرده اند، خود را دارای حق بر دیگران دانسته، احترام خویش را بر آنها لازم می دانند. حال با توجه به روان شناسی بزرگسال باید به امر و نهی ظریف آنها پرداخت. یکی از شیوه های مؤثر در امر و نهی کهنسالان این است که آنها درباره عمل خود به قضاوت گیریم. مثلاً از آنها بخواهیم تا درباره قرائت نماز ما اظهار نظر کنند و آنها را درباره قرائت برخی کلمات که تلفظ صحیح آن را اداء نمی کنند بیشتر جويا شویم یا با طرح سؤال از آنها بخواهیم درباره برخورد صحیح و

نادرستی که خود به آن مبتلا شده اند اظهار نظر کنند.

امام حسن و امام حسین علیه السلام که زمان طفولیت را طی می‌کردند به پیرمردی گذشتند که وضوی صحیحی نمی‌گرفت برای هدایت پیرمرد بر وضوی خود نزاع کردند و قضاوت را به عهده او نهادند و هر دو نزد او وضو گرفتند. پیرمرد گفت هر دوی شما وضوی خوبی گرفتید و این پیرمرد جاهل است که وضوی خوبی نگرفت. (۶۵)

شیوه دیگر، طرح سؤال است: طرح سؤال از کسی که عمری را سپری کرده است از تناسب خوبی برخوردار است. مثلاً اگر خمس مال خود را نمی‌دهد درباره وجوب خمس سؤال شود یا درباره حکم شرعی ریش تراشی که به آن گرفتار است سؤال گردد یا از موارد جواز یا ممنوعیت غیبت دیگران که به آن مبتلا شده است پرسیده شود و یا اگر اهل یاهه گویی و فحش است سؤال شود کسی که به دیگری دشنام داده است چه کند که خدا او را ببخشد و عمل خود را تکرار نکند. البته ممکن است اظهار نظرهای غیر صحیحی نیز ابراز کنند که همین برداشت غلط سبب گناه آنها بوده است که باید نظر آنها در طی مباحثه محترمانه اصلاح شود.

شیوه های امر و نهی به رؤسا

رؤسای دستگاههای دولتی و غیر دولتی از قدرت و نفوذ در انجام کارها، تغییر و تحولات، عزل و نصبها، تضعیف و تقویت‌های افراد برخوردارند و این قدرت آنها ای بسا سبب روحیه ای شود که منافع پذیرش امر و نهی دینی از زیردستان گردد. البته رؤسایی که از غرور قدرت به دور هستند و سرزمین جانشان حاصلخیز از بذر نصیحت هر کسی است که حکم خدا را به آنان ابلاغ کند، پیام خداوند را می‌پذیرند و به احترام این پیام، رسان را نیز مورد توجه و عنایت قرار می‌دهند.

امر و نهی مسئولین باید با ویژگیهای همراه گردد که میزان تأثیر آن را افزایش دهد و به نتیجه مطلوب منتهی گردد. موارد شایان توجهی از آنها را در مباحث گذشته بیان کردیم و به موارد دیگری نیز اشاره می‌کنیم.

تذکر کلی و غیر مستقیم به رؤسا می‌تواند کاربرد فراوانی داشته باشد، و اگر امر و نهی حضوری مسئول با دشواری همراه است می‌توان در یک موقعیت مناسب با تلفن به او تذکر داد. طرح سؤال و نظر خواهی از آنها که در بحث قبل مطرح گردید نیز می‌تواند مفید باشد. مثلاً از مسئولی که در ساعات کار اداری بر سر کار خود حضور نمی‌یابد سؤال شود: با توجه به اینکه، حقوق کامل دریافت می‌کنیم اما در اول وقت اداری در محل کار حضور نداریم و می‌دانیم که بخشی از این حقوق مربوط به ساعات کار اداری است که ما حضور نداشته ایم، گرفتن چنین ماهیانه ای چه صورت دارد؟

اگر استفاده از شیوه های مذکور با دشواری روبرو بود نامه و در صورت ضرورت نامه بدون نام و امضا مورد استفاده قرار گیرد. البته این نامه باید محترمانه و به دور از تهمت، دروغ و هرگونه معصیت دیگری باشد.

در پایان ذکر این نکته مفید است که امر و نهی مسئولین از جمله امر و نهی های بسیار مهمی است که از جایگاهی بلند و ثوابی عظیم برخوردار است به ویژه اگر گناه رئیس، ظلم در حق دیگران باشد.

شیوه امر و نهی به دانشمندان

دانشمندان جامعه علاوه بر آنکه ممکن است از غرور قدرت، پیری یا جوانی برخوردار باشند ای بسا به غرور علمی و تخصصی گرفتار شوند. این غرور موجب حجاب ظلمانی در درون آنها می‌گردد و تأثیر امر و نهی دینی به آنها را کاهش می‌دهد. البته دانشمندان با ایمان در برابر امر و نهی دینی که پیام خداوند است خاضع و تسلیم اند.

حال چگونه دانشمندانی که از علوم و تخصصهای دنیوی و طبیعی یا علوم و معارف الهی و آخرتی برخوردارند، مورد امر و نهی دینی قرار گیرند؟

ضمن استفاده از برخی شیوه‌های گذشته می‌توان بر ویژگی علمی آنها تکیه کرد که شما اهل دانش و منطق هستید و این ویژگی علمی، شما را در میان مردم برجسته کرده است. اگر چه کار خوب از همه کس پسندیده است از شما پسندیده تر است و کار بد از هر کسی که باشد ناپسند است اما از مثل شما ناپسندتر است. انتظار مردم از امثال شما بیشتر است. سزاوار نیست کسی مثل شما با گفتن دروغ (یا نگاه به نامحرم یا گناه دیگری که مورد نظر است) موقعیت خود را خدشه دار کند و بالاتر اینکه خدا را از خود ناخشنود سازد. در خواست مقاله و یا اظهار نظر درباره مقاله ای که پیرامون عیب او نگاشته شده است مفید است. اما اگر دانشمندی است که از علوم دینی برخوردار است و مثلاً عیب او بد اخلاقی و تندی با دیگران است از او درخواست شود درباره بدخلقی و تندی با دیگران است از او درخواست شد درباره بدخلقی و تندی با دیگران نصیحت کند و ضررهای آن را بیان نماید. یا اگر در برنامه های اجتماعی نظم را رعایت نمی‌کند تعدادی از مؤمنین بخواهند که درباره نظم در کارها صحبت کند. یا چنانچه علاقه مند به دنیا است از او بخواهند درباره ضررهای علاقه به دنیا و ارزش زهد مطالبی ایراد کند، یا مقاله ای بنویسد تا مورد استفاده دیگران قرار گیرد. و یا اگر خلف وعده می‌کند به او گفته شود سزاوار نیست که انسانهای بزرگوار خلف وعده کنند یا خدمات علمی لازم را در برابر اوقاتی که از مردم می‌گیرند ارائه ندهند.

در پایان نوشتن نامه از راحت ترین شیوه های امر و نهی دینی به دانشمندان علوم طبیعی و الهی است. و پسندیده است که این حدیث امیر المؤمنین علیه السلام در صدر نامه نوشته شود که فرمود:

(نعم الهدیه الموعظه) بهترین هدیه موعظه است. (۶۶)

البته نوشتن نامه برای اشخاص عصبی که امر و نهی زبانی آنها میسر نیست می‌تواند وسیله ای مفید باشد. ضبط امر و نهی زبانی بر روی نوار هم برای آنها راهگشاست اما باید مطالب مکتوب و یا ضبط شده با آرامش، نیت اصلاح و رعایت اخلاق اسلامی همراه باشد. شیوه امر و نهی نامه ای و نواری می‌تواند در بسیاری از زمینه ها مفید باشد.

شیوه امر و نهی به اعضای خانواده

امر به معروف و نهی از منکر اعضای خانواده یکی از مسائل مهم فرهنگی خانواده های مسلمان است. از آنجائی که خوبیها و بدیهای هر یک از اعضای خانواده در اعتبار و سرنوشت سایر آنها بی تأثیر نیست باید احساس

مسئولیت بیشتری در امر به معروف و نهی از منکر یکدیگر داشته باشند و در بین اعضا سرپرست آنها از مسئولیت بیشتری برخوردار است. قرآن کریم می فرماید:

یا ایها الذین آمنوا قوا انفسکم ناراً وقودها الناس و الحجاره (۶۷)

ای کسانی که ایمان آورده اید خود و اهل خود را از آتشی که آتش گیره آن مردم و سنگ خار است حفظ کنید.

درباره این آیه شریفه قرآن از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امام صادق علیه السلام سؤال شد که چگونه خانواده خود را حفظ کنیم؟ در جواب می فرمودند آنها را امر به معروف و نهی از منکر کنید. (۶۸)

بنابراین آیه فوق در زمره آیات امر به معروف و نهی از منکر است که در خصوص خانواده نازل شده است. امر به معروف فرزندان از زمان طفولیت، تکلیف سرپرست خانواده را در زمان تکلیف آنها کاهش می دهد و از بسیاری از نهی از منکرهای زمان جوانی بی نیاز می سازد.

یکی از روشهای امر و نهی دینی در خانواده این است که سرپرست خانواده واجبات دینی را بزرگ و با اهمیت تلقی کند و زشتی گناهان را نیز بزرگ شمارد و این را در سخنان و اعمال خود گوشزد کرده، و به اجرا در آورد، که موفقیت این کار تجربه شده است. برای مثال تمام مسلمانان با دیده احترام به قرآن می نگرند، آن را کتابی مقدس و آسمانی می دانند که برای هدایت انسان بر وجود مقدس پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نازل شده است و این حقیقت را به فرزندان خود می آموزند و از همین رو خانواده مسلمانی یافت نمی شود مگر اینکه بزرگداشت و احترام فوق العاده به قرآن را جزء برنامه های حتمی زندگی خود قرار داده است. این حاکمیت فرهنگ احترام به قرآن در بین فرزندان خانواده های مسلمان ناشی از تکریم خاصی است که والدین آنها نسبت به قرآن داشته اند. وقتی فرزندان مسلمان بزرگ می شوند و به عظمت قرآن آگاه می گردند احترام به قرآن را به طور ریشه ای و عمیق در می یابند و این تکریم را به فرزندان خود آموزش می دهند. این تنها نمونه استثنائی نیست بلکه هر چه در فرهنگ حاکم بر خانواده بزرگ شمرده شود فرزندان، آن را بزرگ می شمارند. نمونه دیگر آن احترام به پیامبر و اهل بیت او علیهم السلام است.

هر یک از دستوره های الهی در خور آن است که در فرهنگ خانوادگی مسلمانان، بزرگ شمرده شود. خانواده هایی که نماز را بزرگ می شمارند و فرزندان خود را در هشت سالگی به نماز وا می دارند گرفتار مصیبت جانکاه بی نمازی فرزندان خود در زمان تکلیف نیستند. و آنان که به حجاب اهمیت می دهند و چند سال قبل از تکلیف، دختر بچه های خود را به تمرین برخوردار از حیا و حجاب امر می کنند از معصیت بی حجابی و بد حجابی دختران خود در زمان تکلیف در امانند.

این روش نسبت به منکرات و افراد منفور نیز مطرح است. همه خانواده های مسلمان جرثومه های فسادى چون شیطان، فرعون و دشمنان پیامبر و اهل بیت او را نزد خود منفور می دانند و این فرهنگ را به فرزندان پیامبر و اهل بیت او را نزد خود منفور می دانند و این فرهنگ را به فرزندان خود منتقل می کنند. والدین می توانند با طرح مداوم زشتی گناهان، فرزندان خانواده را صیانت کنند. والدین می توانند با طرح مداوم زشتی گناهان، فرزندان

خانواده را صیانت کنند. این شیوه که در دراز مدت صورت می‌گیرد ضامن سلامت اعتقادی و اخلاقی فرزندان خانواده هاست و مشکل بسیاری از والدین فاصله گرفتن از این شیوه فرهنگی سازنده است.

حال اگر فرزندان خانواده ای که به سن تکلیف بار یافته اند از انجام واجبات و ترک محرمات سرباز زنند با شیوه های مناسب مورد امر و نهی قرار گیرند و اگر مرتبه اول و دوم با شیوه های گسترده‌ای که دارند مؤثر قرار نگرفتند به مرتبه سوم که حبس و از بین بردن وسایل گناه و کتک در حد ضرورت است اقدام نمایند و بیش از این تکلیفی نیست.

یکی از روشهای اصلاح فرزندان طرح دوستی آنها با جوانان با تقواست. حتی اگر والدین هزینه‌ای صرف نمایند تا فرزند خود را با افراد صالح دوست گردانند کار پسندیده ای کرده‌اند بلکه اگر این دوستی سبب انجام واجب و ترک حرام گردد تحقق آن واجب است.

رفت و آمد با خانواده های با تقوا یکی از شیوه های اصلاح و ارشاد فرزندان است. قطع برخی از امکانات رفاهی، عاطفی و مالی موقت که عوارض منفی جانبی به همراه نداشته باشد می تواند مؤثر باشد. البته قطع روابط با دوستان بد و خانواده های غیر صالح بر هر چیزی مقدم است. این امور را می توان در ارتباط با زنی که مرتکب حرام یا ترک واجب می‌گردد به کار گرفت. حال اگر مرد خانواده مرتکب معصیت ترک واجب گردد باید سایر اعضای خانواده در حد امکان او را مورد امر و نهی دینی قرار دهند و چنانچه مؤثر قرار نگیرد تکلیف بیشتری ندارند مگر اینکه گناه او به گونه‌ای باشد که بر حسب قوانین اسلامی معرفی او به دستگاههای حکومتی واجب باشد.

شیوه امر و نهی به دوستان و اقوام

امر و نهی دوستان صمیمی کار آسانی است اگر فردی به انسان علاقه زیادی دارد می توان با این جمله که دوست دارم این واجب را انجام دهی یا این گناه را ترک نمایی او را امر و نهی کرد. یا در یکی از اوقات گفت و شنود با وی از او بخواهی یکی از آرزوهای خود را بیان کند آنگاه اظهار نمایی یکی از آرزوهای من که هر روز انتظار تحقق آن را می کشم این است که تو نماز بخوانی یا همراه من به مسجد بیایی یا هر عیب دیگر را که مورد نظر است به او تذکر دهی.

یا به او گفته شود: دوست دارم تو از جمله اقوام یا دوستانی باشی که به دوستی با او افتخار کنم و تو می توانی مورد افتخار من باشی و این کار جز در پرتو تقوا و پرهیزکاری میسر نیست. یا به او گفته شود: اگر می خواهی دوستی ما دوام و استحکام یابد باید از آن گناه یا فرد پرهیز کنی.

همچنین اگر از دوستان یا اقوامی است که به رفت و آمد با شما اهمیت فراوانی می‌دهد در رفت و آمد با او سهل انگاری کنید و به او بفهمانید که این به سبب گناهی است که مرتکب می‌شود. یا از خوردنیهای او اجتناب کنید و به او بفهمانید که به علت وجود اموال حرام اوست که از روی ظلم و بی موالاتی شرعی به دست آورده یا خمس آن را نپرداخته است.

شیوه امر و نهی به بانوان

امر به معروف و نهی از منکر گنهکاران بر هر انسان مکلفی با وجود شرایط آن واجب است و تفاوتی وجود ندارد که گنهکار و امر و نهی کننده از زنان یا مردان باشند. امر و نهی مرد و زن و بعکس، ویژگیهای خاص خود را دارد اما هیچ گاه سبب ترک امر و نهی به یکدیگر نمی‌گردد. آنچه معیار است وجود شرایط و رعایت موازین اسلامی است.

در یکی از استفتائات از امام خمینی قدس سره آمده است: آیا دختری با شرط رعایت کردن موازین اسلامی می‌تواند پسری را راهنمایی و کمک کند؟ در جواب فرموده است: با مراعات موازین اسلامی مانعی ندارد. (۶۹)

در اینجا تنها منکرات اخلاقی مربوط به شهوات و هوسرانیهای زنان نظیر بی‌حجابی و خود نمائی، اظهار زینتها، نازک و تحریک آمیز سخن گفتن و شوخی با مردان نامحرم و امثال آن مورد بحث است و در سایر مسائل با کمی تفاوت امر و نهی به روال عادی صورت می‌پذیرد. و تنها تذکر مرد جوان به دختر و زنان جوان آن هم درباره بی‌حجابی و بدحجابی، آرایش و خودنمایی در جامعه و نزد نامحرم است که باید مورد دقت قرار گیرد.

در اینجا توصیه‌هایی را به منظور موفقیت هر چه بیشتر مردان در امر و نهی بانوان بیان می‌کنیم:

- ۱- رعایت تقوای همه جانبه به هنگام امر و نهی.
- ۲- انتخاب موقعیت زمانی و مکانی مناسب.
- ۳- در صورت لزوم امر و نهی در حضور دیگری انجام گیرد زیرا حضور دیگران حرکت مقدس و نهی از منکر در جامعه را از هر گونه تهمت و افترا حفظ می‌کند.
- ۴- کلمات و حرکات تذکر دهنده به گونه‌ای باشد که از موضع تهمت به دور باشد. □
- ۵- نهی از منکر با کمال وقار، سر به زیری و با بیان واضح و رسا، محترمانه و با صبغه الهی بیان شود. مثلاً گفته شود خواهر (خانم) حجاب دینی خود را مراعات کن که این حکم خداست، یا دستور خداوندست که موی سر خود را کاملاً بپوشانی، یا خداوند خود نمایی زنان در جامعه را حرام کرده است. یا سر و گردن خود را بپوشان که حجاب حکم خداست و شما هم بنده خدا هستید.
- ۶- نهی از منکر از هر گونه نقصان و بریدگی در کلام و دلهره و اضطراب به دور باشد.
- ۷- در صورت همراه بودن خانواده نهی کننده، دختران یا زنان همراه، امر و نهی کنند. در غیر این صورت خود در حضور آنها امر و نهی نماید. □
- ۸- اگر بی حجاب همراه دیگری است تذکر به او به صورت عادی انجام گیرد. البته اگر به همراه پدر یا همسر خود باشد بهتر است به پدر یا شوهر وی تذکر داده شود تا همسرش را مورد نهی از منکر قرار دهد. سلام و احوالپرسی با سرپرست او می‌تواند مقدمه خوبی برای بیان امر و نهی باشد.
- ۹- برخی دختران بی حجاب در کنار مادران با حجاب خود در جامعه حاضر می‌شوند. تذکر به آنها در نزد مادر کار پسندیده‌ای است زیرا غالب مادران از امر به معروف به دختر خود حمایت می‌کنند. البته عده کمی از آنها با تذکر به دختر خود موافق نیستند و چه بسا موضعگیری منفی کنند. تعریف از حجاب آنها نقش بسیار مؤثری

دارد مثلاً گفته شود: چرا از روش مادر خود فاصله گرفته ای؟ حجاب مادر شما الگوی شماست. ارزش زن به پوشیدگی است نه هوسرانی و تقلید از دشمنان اسلام.

۱۰- برخی زنان مبتدل به گونه‌ای در جامعه حضور می‌یابند که در صورت تذکر و اراده اصلاح وضع خود، نمی‌توانند به وظیفه دینی خود عمل کنند. به چنین کسانی می‌توان گفت: از خدا نمی‌ترسی یا از خداوند حیا نمی‌کنی اینگونه در جامعه حاضر شده‌ای؟ زن عفیف اینگونه وارد جامعه نمی‌شود، یا آرایش و خودنمایی برای غیر شوهر حرام است و شما باید ساده و پوشیده باشید.

برخی زنان بی‌حجاب که مورد امر و نهی قرار می‌گیرند اظهار می‌دارند: شما نگاه نکن چرا نگاه کردی؟ در جواب می‌توان گفت، نگاه نکردن من از تکلیف شما نمی‌کاهد. شما نامحرم را به نگاه نگیر. نگاه افتادن غیر از نگاه کردن عمدی است. نگاه من تو را بی‌حجاب کرد یا بی‌حجابی تو سبب نگاه من شد؟

به خانمی که دختر بچه خود را به صورت عروسکی در ویتترین جامعه به نمایش گذارده بود گفته شد. به همان گونه که برای خود شخصیت و ارزش قائلید برای فرزند خود نیز قائل باشید. حیای دختر بچه با عریان بودن سر و پاهای او از بین می‌رود. آنگاه مقدمه معصیت بی‌حیایی و بی‌حجابی آینده او را به دست خود فراهم کرده‌ای. جواب داد: حجاب او واجب نیست. گفته شد آیا بی‌حجابی او واجب است؟